

عدم امکان یا صعوبت تغییر وضعیت حقوقی موقوفه و در واقع، ناکارآمدی آن برای شکل‌دهی به کمک‌های شهروندان، مغلوب نهادهای رقیب مانند صلح و هبه است. با این حال، از منظر رئالیسم حقوقی و حقوق عمومی، نتیجه عکس شده است و وقف بر «صلح» و «هبه» ارجحیت دارد، چرا که در وقف، نظارت کمک‌کنندگان به هلال (واقفین) تا پایان حیات موقوفه ادامه دارد. پس از انعقاد وقف، واقف از موقوفه جدا نمی‌گردد و در واقع نظارت مردم بر حکومت، یعنی نظارت واقف بر نماینده حکومت (جمعیت) تحقق می‌یابد. چه اینکه، هنر حقوق و اداره جامعه در برقراری بازی برد - برد و تجمیع و تلفیق منافع متعارض است. بدین لحاظ به تأسی از فقه پویای شیعه و پذیرش این نکته که انجام کامل و صحیح وظایف هلال‌احمر جز با کمک شهروندان صورت نگرفته است و حکومت به تنهایی، توان مالی تأمین اعتبارات لازم را ندارد؛ راه میانه و سوم مطلوب است. نظری مبتنی بر استفاده از ۱- مزایای حقوق عمومی و نظارتی وقف ۲- علاقه وافر مردم به نهاد وقف ۳- اطلاعات مطلوب شهروندان از وقف و البته جمع آن با نکات مطلوب عقود صلح و هبه. لذا به نظر می‌رسد جمعیت باید با اطلاع‌رسانی و تبلیغات گسترده، ضمن تشویق و تکریم وقف، شرایط، ویژگی‌ها و جهات مورد نظر خود و در واقع مورد نیاز کشور را به مردم معرفی و با توجه به آن، موقوفات را قبول نماید.

کلمات کلیدی: وقف، جمعیت هلال‌احمر، نظارت مردم بر حکومت، جهات وقف، رئالیسم حقوقی.

در جستجوی مزایای وقف در جمعیت

هلال‌احمر:

از دیدگاه محض حقوقی تا رئالیسم حقوقی

حسن آقامیری^۱، کیوان صدیقه‌ای^۲، وحید آگاه^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه قم، مدرس دانشگاه قم و پژوهشگر مؤسسه آموزش عالی علمی - کاربردی هلال ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند و پژوهشگر مؤسسه آموزش عالی علمی - کاربردی هلال ایران، تهران، ایران.

Email: Keyvan.sedaghati@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، مدرس دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگر مؤسسه آموزش عالی علمی - کاربردی هلال ایران.

دریافت: ۹۳/۵/۲۰ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۳

چکیده

مقدمه: از دیرباز بیشتر کمک‌های مردمی به جمعیت شیر و خورشید سرخ سابق و هلال‌احمر فعلی، در قالب نهاد حقوقی «وقف» بوده است. وقف از منظر صرف حقوقی برای جمعیت هلال‌احمر مطلوب نبود و به دلیل تضییقات ایجاد شده از جمله عدم جدایی واقف (مالک اولیه) و ادامه سلطه و اقتدار آن بر موقوفه از طریق تعیین متولی و ناظر و

مقدمه

جمعیت هلال‌احمر (شیر و خورشید سرخ سابق) از جمله سازمان‌هایی است که به موجب بند ۳ «قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی» مصوب ۷۳/۴/۱۹ در زمره نهادهای عمومی غیردولتی است و این یعنی وزارتخانه، شرکت و مؤسسه دولتی نیست.^۱ سازمانی که وفق ماده ۱ قانون اساسنامه‌اش، «مؤسسه‌ای خیریه، غیرانتفاعی و دارای شخصیت حقوقی مستقل» است که تلاش برای تسکین آلام بشری، ارائه خدمات امدادی در هنگام بروز حوادث و سوانح طبیعی، کمک به امر توانبخشی، ارائه خدمات اجتماعی و کمک به تهیه دارو و وسایل و تجهیزات پزشکی مورد نیاز مراکز بهداشتی، درمانی و آموزشی کشور از جمله وظایف آن به شمار می‌رود.^۲ سازمانی که در ایران همواره با نهاد وقف عجین بوده است و ایرانیان بیشتر کمک‌های خود به این جمعیت را در قالب عقد وقف تنظیم کرده‌اند. وقف طبق مواد ۵۵ و ۵۸ قانون مدنی، حبس عین است و تسبیل منفعت و فقط وقف مالی جایز است که با بقای عین بتوان از آن منتفع شد.^۳ در وقف، واقف می‌تواند تولیت یعنی اداره کردن امور موقوفه را مادام‌الحیات یا در مدت معینی برای خود قرار دهد، همچنین می‌تواند متولی دیگری معین کند که مستقلاً یا مجتمعاً با خود،

موقوفه را اداره کند (ماده ۷۵ همان قانون). همچنین به موجب مواد ۷۸ و ۸۱ قانون مذکور، واقف می‌تواند بر متولی، ناظر قرار دهد که اعمال متولی به تصویب یا اطلاع او باشد. اما در اوقاف عامه که متولی معین نداشته باشد، موقوفه طبق نظر ولی فقیه خواهد بود. در وقف از یک طرف، اگر واقف برای اداره کردن موقوفه، ترتیب خاصی معین کرده باشد متولی باید به همان ترتیب رفتار کند (ماده ۸۲) و از طرف دیگر، اگر واقف ضمن وقف، اذن نداده باشد، متولی نمی‌تواند تولیت را به دیگری واگذار کند. (ماده ۸۳) اما این، همه محدودیت‌های وقف نیست، چنانکه بیع وقف جایز نیست مگر آنکه خراب شود یا خوف خرابی باشد به نحوی که انتفاع از آن ناممکن باشد، آنهم در صورتی که عمران متعذر باشد یا کسی برای عمران آن حاضر نشود. (ماده ۸۸) با این حال ولو که فروش موقوفه جایز باشد، عین موقوفه به اقرب به غرض واقف تبدیل می‌شود. (ماده ۹۰) اما هر موقوفه که برابر ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، دارای شخصیت حقوقی مستقل است، در دو دسته کلی عام و خاص جای می‌گیرد که به سبب صرف منافع موقوفات جمعیت در راستای جهات عامه، موقوفات هلال‌احمر وصف عام می‌یابند. در نوشتار پیش رو، وقف در مطابقت با مفاهیم رقیب حقوقی، مطالعه شده و از دو دیدگاه متفاوت، مزایا و معایب آن در هلال‌احمر تحلیل شده است. به بیان بهتر اثر حاضر در پی آن است که آیا وقف واقعاً از جمیع جهات در هلال‌احمر کارآمد و مطلوب است. در این مقاله طی سه بند، مطالعه تطبیقی وقف با

۱. برای مطالعه بیشتر رک: ۱ - حسینی پور اردکانی، سید مجتبی، نظام حقوقی حاکم بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی، تهران، جنگل - جاودانه، چاپ اول، ۱۳۸۹. ۲ - رستمی، ولی، «نظارت مالی بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴، زمستان ۸۸، صص ۲۱۲ - ۱۹۱. ۳. ماده ۳ قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر مصوب ۱۳۶۷/۲/۸. ماده ۵۸ قانون مدنی.

صلح و هبه، مزایای مالیاتی، گمرکی و ثبتی موقوفات هلال احمر و نیز آسیب شناسی ظرفیت نهاد وقف برای توسعه در هلال احمر، مورد نظر قرار گرفته است.

بند نخست - مطالعه تطبیقی وقف با اعمال حقوقی مشابه

عقود مجانی در قانون مدنی به دو صورت عمده جلوه گر شده است، در بعضی همانند ودیعه و عاریه، مجانی بودن عقد به لحاظ وجود عنصر امانت است. بنابراین امانی بودن این عقود نه مجانی بودن، وجه بارز آنها به شمار می آید. در مقابل، بعضی از عقود تبرعی، وسیله بخشش و عطایای اشخاص به یکدیگر است که می توان از هبه، صلح (آن قسم از صلح که باعث تملیک مال می گردد) و وقف نام برد.^۱ در این بند با بیان قسم اخیر، هبه و صلح در مقایسه با وقف مطالعه شده است، چنانکه قانون گذار نیز در ماده ۱۹ قانون اساسنامه هلال احمر با بیان اینکه «همه اموال و دارایی ها و اعتبارات جمعیت که از طریق عقود ناقله شرعی از قبیل وقف، صلح، هبه و امثال آن...»،^۲ بر این نظر بود که این عقود در کنار وقف از مهم ترین قالب های کمک به هلال احمر می باشند.

الف - مقایسه هبه و وقف

هبه در معنی عام، تملیک مال بدون عوض است و در نتیجه مترادف با عطیه و شامل هدیه، جایزه، نحل، صدقه و وقف است.^۳ اما در معنای اخص،

عقدی تملیکی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کس دیگر تملیک می کند.^۳ این مال می تواند دین، منفعت و حقوق باشد، در حالی که وقف فقط ناظر به عین اموال است. در هبه مالکیت به طور کامل به متب و واگذار می شود. بنابراین متب می تواند هر نوع استفاده که بخواهد از مال بنماید. در هبه بخشیدن و احسان به فردی خاص ملحوظ است. از این رو در مواقعی که فردی می خواهد جمع بسیاری را از اموال خود بهره مند سازد یا به جهت خاصی، اموال خود را مورد بهره برداری قرار دهد، با توجه به شرایط عقد وقف، بهترین نمونه برای تأمین هدف مالک، وقف می باشد. بدین لحاظ اگر مالک بخواهد یقین حاصل کند که مالش را برای اهداف و خواسته های خود از مالکیت خویش خارج کند، قانونگذار با شرایط ویژه ای که برای وقف تعیین کرده، این اطمینان را به مالک اعطا کرده است. لذا با وجود وضع قوانین سخت در مورد تبدیل و تغییر مال موقوفه، رغبت مالکان به وقف مال برای جهت خاص بیشتر است، چون واقف با طرح اساسنامه وقف، همچنان بر مال تسلط دارد؛ در حالی که هبه فاقد این ویژگی است. نیز از آنجا که تسبیل منفعت جزئی از وقف می باشد، واقف هیچ گاه نمی تواند شرط عوض کند، در حالی که هبه معوض به رسمیت شناخته شده است؛ در واقع ویژگی وقف این است که واقف نمی تواند قصد خیرخواهانه خود را منوط به شرط عوض کند.

از دیگر ویژگی های وقف این است که رابطه واقف با مال به محض تحقق عقد قطع می شود و همین امر

۱. برای مطالعه بیشتر رک: فیض، علیرضا، «وقف و انگیزه های آن»، وقف میراث جاودان، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۲، صص ۳۶-۳۳.
۲. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، اسلامی، ۱۳۴۴، جلد دوم، ص ۴۶۲.

۳. ماده ۷۹۵ قانون مدنی.

موجب ثبات مالکیت‌های جمعی است. در حالی که هبه قابلیت رجوع از طرف واهب را دارد که باعث انحلال عقد هبه می‌شود. با این حال در مواردی هبه از سوی واهب لازم است و امکان رجوع از آنها وجود ندارد، مانند هبه به خویشان نزدیک، هبه معوض، صدقه و هبه دین به مدیون. بنابراین در هبه، اصل قابلیت رجوع واهب است، مگر در مواردی که امکان رجوع وجود ندارد، مانند خروج عین موهوبه از ملکیت متهب، تعلق حق غیر بر مال موهوب، تغییر در عین موهوبه، فوت واهب یا متهب و همچنین تراضی طرفین در عدم حق رجوع واهب.

ب- مقایسه صلح و وقف

صلح اصطلاحاً عبارت از تراضی و تسالم بر امری است، خواه تملیک عین باشد یا منفعت یا اسقاط دین و یا حق و یا غیر آن.^۱ ماده ۷۵۲ قانون مدنی نیز بیان می‌دارد: «صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی یا در مورد معامله و غیر آن واقع شود». صلح قالبی است وسیع‌تر از همه عقود معین که برای تحقق حاکمیت اراده فراهم آمده و در مفهوم و جوهر آن، «نوعی تسالم یا گذشت‌های متقابل وجود دارد و همین امتیاز است که آن را از سایر معاملات ممتاز می‌کند و به صورت معامله‌ای مستقل در می‌آورد».^۲ با این حال گاه، هدف از صلح این است که تملیک یا ایجاد تعهد به دلخواه انجام شود و گریز از اجرای قوانین و آثار خاص عقود آسان گردد. بنابراین اگر اثر وقف را که حبس عین و تسبیل منفعت است در

قالب صلح قرار دهیم، دیگر قبض شرط تحقق آن نخواهد بود. اما این صلح باید آثار عقد وقف یعنی حبس عین و تسبیل منفعت را داشته باشد. بنابراین اگر مالک می‌خواهد مالی را به جمعیت هلال‌احمر تملیک کند که آثار وقف را نداشته باشد، باید تملیک عین به وسیله بیع یا صلحی که در مقام بیع باشد، منعقد کند. بدین لحاظ می‌توان در قالب عقد صلح، هم آثار وقف را برقرار کرد و هم اینکه از سخت‌گیری‌های وقف گریخت. علیهذا صلح در مقام وقف، خصوصیت ویژه‌ای جز پرهیز از رعایت تشریفات ندارد و می‌توان برای تسهیل از آن استفاده کرد.

بند دوم- مزایای مالیاتی، گمرکی و ثبتی موقوفات هلال‌احمر

در این بند موقوفات در هلال‌احمر را از این منظر بررسی می‌کنیم که آیا نسبت به صلح و هبه، از مزیت یا مزایای مالیاتی، گمرکی و ثبتی که موجب ترجیح بر این عقود شوند، برخوردارند یا خیر؟

الف - مزایای مالیاتی و گمرکی

مالیات، مهم‌ترین و قدیمی‌ترین درآمد عمومی و منبع مالی دولت‌ها به شمار می‌رود و برای هر دو سوی آن یعنی حکومت و مردم اهمیت به‌سزایی دارد.^۳ در بحث مالیات‌ها، دولت‌ها معمولاً از معافیت و تخفیف مالیاتی به عنوان ابزاری برای هدایت و سوق فعالیت‌ها و خدمات شهروندان استفاده می‌کنند. حقوق و مزایای گمرکی نیز که در واقع مالیات بر واردات و صادرات هر کشور است، یکی از مهم‌ترین منابع درآمد دولت‌ها به شمار می‌رود که

۱. امامی، سید حسن، پیشین، ص ۳۹۶.

۲. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی: درس‌هایی از عقود معین.

تهران، گنج دانش، چاپ هجدهم، ۱۳۹۱، جلد اول، ص ۳۷۲.

۳. رستمی، ولی، مالیه عمومی، تهران، میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۲، ص ۸۷.

به موجب بند ۶ ماده ۱۲ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، کمک‌ها و هدایای اشخاص حقیقی و حقوقی در خارج از کشور به سازمان هلال‌احمر، از پرداخت هرگونه مالیات معاف هستند. حکمی که در بند ب ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم نیز به طور گسترده‌تر تکرار و کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی سازمان هلال‌احمر از پرداخت مالیات معاف شده است.^۳

۳- معافیت اموال اهدایی به هلال‌احمر از مالیات بر ارزش افزوده

طبق بندهای ۶ و ۹ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۸۷/۲/۱۷ کمیسیون اقتصادی مجلس، «کالاهای اهدایی به صورت بلاعوض به... نهادهای عمومی غیردولتی [از جمله هلال‌احمر] با تأیید هیأت وزیران...» و «انواع دارو، لوازم مصرفی درمانی، خدمات درمانی (انسانی، حیوانی و گیاهی) و خدمات توانبخشی و حمایتی» از مصادیق معافیت از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده می‌باشند.

۴- معافیت لوازم امدادی و اهدایی به هلال‌احمر از حقوق ورودی

مطابق بند (ر) از تبصره قسمت ث ماده ۱۱۹ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲، علاوه بر معافیت‌های مقرر در جدول تعرفه گمرکی ضمیمه آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات،

در مجموعه‌ای به نام تعرفه گمرکی درج می‌شود. در این تعرفه، ابتدا کالاها طبقه‌بندی و سپس نرخ‌بندی می‌شوند تا برای مأموران گمرک و واردکنندگان کالا، برآورد میزان حقوق و عوارض گمرکی (که درصدی از ارزش گمرکی کالا است) روشن و قابل احراز باشد.^۱ در این قسمت، معافیت مالیاتی از زوایای اشخاص خیر و کمک‌کننده به هلال‌احمر و اموال و دارایی‌های اهدا شده، مورد نظر قرار گرفته است.

۱- معافیت مالیاتی اشخاص کمک‌کننده: کسر کمک‌های بلاعوض به هلال‌احمر از درآمد مشمول مالیات

مطابق اصلاحیه ماده ۱۷۲ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم، آن بخش از وجوه پرداختی یا تخصیصی و یا کمک‌های غیرنقدی بلاعوض اشخاص، اعم از حقیقی و یا حقوقی برای تعمیر، تجهیز، احداث و یا تکمیل جمعیت هلال‌احمر، طبق ضوابط تعیین شده توسط وزارتخانه‌های ذی صلاح، از درآمد مشمول مالیات عملکرد سال پرداخت منعی که مودی انتخاب خواهد کرد، قابل کسر می‌باشد.^۲ بدین ترتیب قانونگذار برای ترغیب اشخاص و توسعه کمک‌های خیرین به جمعیت، وجوه و کمک‌های بلاعوض مؤدیان مالیاتی به جمعیت را از درآمد مشمول مالیات قابل کسر دانسته است.

۲- معافیت مالیاتی کمک‌ها و هدایای دریافتی هلال‌احمر

۳. لازم به ذکر است که کمک سازمان‌های دولتی به جمعیت هلال‌احمر، به اخذ مجوز قانونی جداگانه با توجه به ماده ۵۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت نیاز ندارد، زیرا در اساسنامه هلال‌احمر، این مجوز به جمعیت داده شده است: قانون تفسیر بند ۴ ماده ۱۷ قانون اساسنامه جمعیت هلال‌احمر مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۱.

۱. همان، ص ۱۳۰.
۲. در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۹، ماده واحده «قانون الحاق کمیته امداد امام خمینی(ره) و جمعیت هلال‌احمر به فهرست نهادها و مؤسسات مشمول ماده ۱۷۲ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم» تصویب گردید و طبق تبصره ۱ آن مقرر شد «این قانون در صورت تأمین اعتبار، در قوانین بودجه سنواتی از ابتدای ۱۳۹۲ اجرا شود».

بلایای طبیعی و حوادث غیرمترقبه

مستند به بند ح ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم، آن قسمت از درآمد موقوفات عام که مطابق موازین شرعی به مصرف اموری از قبیل بهداشت و درمان، کمک به مستضعفان و آسیب‌دیدگان حوادث ناشی از سیل، زلزله، آتش‌سوزی، جنگ و حوادث غیرمترقبه دیگر برسد، مشروط بر اینکه درآمد و هزینه‌های مزبور به تأیید سازمان اوقاف و امور خیریه رسیده باشد، از پرداخت مالیات معاف است و همان‌گونه که می‌دانیم از یک سو، وقف بر هلال‌احمر برای صرف در مصالح عامه، در زمره موقوفات عامه است و از سوی دیگر، از جمله وظایف عمده جمعیت، ارائه خدمات امدادی در هنگام بروز حوادث و سوانح طبیعی مثل زلزله، سیل و مانند آن در داخل و خارج از کشور است. بنابراین می‌توان ادعا کرد، هلال‌احمر مشمول مفاد حکم مقرر در این قانون می‌گردد. تفسیری که نقش به‌سزایی در بسط و تعمیم فرهنگ وقف به جمعیت هلال‌احمر ایفا خواهد کرد.^۲ نیز قابل ذکر است که به موجب رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۲۴۰ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲، همه درآمدها و هزینه‌های موقوفات عام، علی‌الاطلاق از معافیت برخوردار نیستند و نیاز است که درآمدها در امور مورد نظر قانونگذار هزینه گردد. لذا این مقصود حاصل نمی‌گردد، مگر از طریق ارائه اظهارنامه مالیاتی و ترازنامه و حساب و سود و زیان تا

وسایط نقلیه از جمله آمبولانس، خودروهای فرماندهی امداد و نجات، خودروهای ویژه امداد و نجات به استثنای سواری، دارو، لوازم پزشکی، طبی و بیمارستانی، بالگرد و قایق امدادی، مواد غذایی، پوشاک، پتو، چادر، خانه‌های پیش‌ساخته یا سایر کالاهای امداد و نجات مورد نیاز که به منظور کمک به آسیب‌دیدگان بلایای طبیعی یا حوادث غیرمترقبه یا سایر وظایف و مأموریت‌های تصریح شده در اساسنامه هلال‌احمر که به نام هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران وارد می‌شود، با تشخیص وزارت امور اقتصاد و دارایی از پرداخت حقوق ورودی معاف می‌باشند.^۱

اما نکته اینجاست که بیان و لحن مواد فوق‌الذکر در باب معافیت‌های مالیاتی و گمرکی، وقف را افاده نمی‌کند و فقط شامل عقود چون صلح و هبه است. کماینکه مقنن هر جا که نظر به «وقف» هم داشته، آن را تصریح کرده؛ چنانکه مطابق بند ۳ ماده ۲۴ قانون مالیات‌های مستقیم، اموالی که برای سازمان‌هایی چون وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شهرداری‌ها مورد وقف، نذر یا حبس واقع می‌شوند از شمول مالیات بر ارث معافند. لذا با توجه به سکوت قانونگذار و در نظر گرفتن صرف این مواد، اموال موقوفه از چنین معافیتی برخوردار نیستند.

۵- معافیت درآمد صرف شده موقوفات عام در

۱. همچنین به موجب ماده ۱۶۳ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲، به منظور پیش‌آگاهی، پیشگیری و آمادگی مقابله و امداد رسانی در حوادث و سوانح، معادل نیم درصد از کل حقوق گمرکی و سود بازرگانی که به کالاهای وارده به کشور تعلق می‌گیرد، از واردکنندگان اخذ و به خزانه داری کل کشور واریز و معادل آن در بودجه سالانه به حساب جمعیت هلال‌احمر منظور می‌گردد تا در راستای مأموریت‌های قانونی هزینه نماید.

۲. در وقف به موجب ماده ۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم، متولی موقوفه مکلف است حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ وقوع عقد، اظهارنامه‌ای وفق نمونه تهیه شده از طرف سازمان امور مالیاتی، حاوی ارزش مال مورد وقف، به انضمام اسناد مربوطه به اداره امور مالیاتی صلاحیتدار، تسلیم و رسید دریافت دارد.

مؤسسات وابسته و شرکت‌هایی با حداقل ۹۹ درصد سهام جمعیت، به شرط صرف درآمد آنها در راستای اهداف و وظایف هلال‌احمر را نیز شامل شده، و دوم اینکه معافیت از حق‌الثبت را به تمامی اموال، املاک، مستغلات، وسایط نقلیه، کالاها و خودروهای اهدایی و همه خریدهای خارجی و واردات و تجهیزات ضروری و حیاتی امداد و نجات تعمیم داده و در واقع علاوه بر وقف، عقود دیگر از جمله صلح و هبه را نیز دربر گرفته است. بنابراین در مزایای ثبتي یا به بیان دقیق‌تر، معافیت از پرداخت حق‌الثبت نیز، وقف در کنار صلح و هبه است و ارجحیتی ندارد.

اما علی‌رغم موارد یاد شده و در واقع غلبه مزایای گمرکی و مالیاتی هبه و صلح بر «وقف» و تساوی در معافیت از پرداخت حق‌الثبت، ماده ۲۰ قانون اساسنامه جمعیت هلال‌احمر، به کمک وقف آمده و آن را در کنار صلح و هبه و نه پایین‌تر از آنها قرار داده است. طبق ماده مذکور و ماده واحده قانون اصلاح آن مصوب ۱۳۷۹/۲/۲۸، جمعیت، مؤسسات وابسته به آن و شرکت‌هایی که حداقل ۹۹ درصد سهام آنها متعلق به جمعیت باشد و درآمدهای آن در راستای اهداف و وظایف جمعیت به مصرف برسد، از پرداخت مالیات، عوارض، حقوق گمرکی، سود بازرگانی و هر گونه عوارض دیگر در خصوص اموال، املاک، مستغلات، وسایط نقلیه، کالاها و خودروهای اهدایی و همه خریدهای خارجی و واردات و تجهیزات ضروری و حیاتی امداد و نجات معاف می‌باشند.

مشخص گردد موقوفه به چه میزان درآمد حاصل کرده و چه میزان از آن در امور مورد نظر قانونگذار هزینه شده، کما اینکه قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۱۱۹ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵، تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر را شرط برخورداری از هرگونه معافیت مالیاتی ذکر کرده است. بنابراین جمعیت هلال‌احمر برای برخورداری از معافیت‌های مذکور در قانون، ملزم به رعایت تشریفات یاد شده می‌باشد.

ب - مزایای ثبتي: معافیت از پرداخت حق‌الثبت

مطابق ماده ۵۱ قانون دفاتر اسناد رسمی و قانون سردفتران و دفترياران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵، هر نوع انتقال بلاعوض و وقف و حبسی که به نفع مؤسسات مذهبی و خیریه و سازمان‌های فرهنگی و بهداشتی مصرح در مواد مربوط به معافیت قانون مالیات‌های مستقیم انجام پذیرد، از پرداخت حق‌الثبت معاف خواهد بود و با عنایت به اینکه نام سازمان هلال‌احمر به صراحت در بند ب ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم و مبحث مربوط به معافیت‌ها درج شده، می‌توان نتیجه گرفت هر نوع انتقال اموال منقول یا غیر منقول در قالب وقف به این سازمان به عنوان نهادی که از کارویژه‌هایش، کمک به تهیه دارو و وسایل و تجهیزات پزشکی مورد نیاز مراکز بهداشتی، درمانی و آموزشی کشور است،^۱ از پرداخت حق‌الثبت معاف است. معافیتی که در ماده ۲۰ قانون اساسنامه جمعیت، از دو وجه کامل‌تر آمده: یکی اینکه علاوه بر جمعیت؛

۱. بند ۸ ماده ۳ قانون اساسنامه جمعیت هلال‌احمر

بند سوم - آسیب‌شناسی ظرفیت نهاد وقف برای توسعه در هلال احمر

در این بند، مسأله‌یابی و نقد نهاد وقف با نگاه توسعه‌ای در نظام حقوقی هلال احمر طی دو قسمت واکاوی شده است: در قسمت الف، با نگاه صرف حقوقی و در قسمت ب، از زوایه رئالیسم حقوقی.

الف - نگاه حقوقی محض

پژوهش حاضر با عبارت «در جستجوی مزایای وقف در جمعیت هلال احمر» آغاز شده و ناگفته پیداست، عنوان مزبور با این جهت و فرض انتخاب شده که وقف، وضعیت حقوقی مطلوبی برای کمک به انجام وظایف سازمان هلال احمر است و با شناخت ابعاد قانونی باید عوامل توسعه آن را شناسایی و تقویت کرد. اما با وقوف به مشخصات نهاد وقف، تردیدهایی در این زمینه به نظر می‌رسد. توضیح اینکه در عقد وقف دست کم با سه عامل سر و کار داریم: ۱- واقف ۲- متولی ۳- ناظر؛ که در مواردی عامل چهارمی یعنی «سازمان اوقاف و امور خیریه» هم داخل می‌شود، بدین صورت که چنانچه واقف را پس از جاری شدن صیغه وقف - از نظر اینکه عملاً توانایی دخل و تصرف یا تأثیرگذاری بر موقوفه را ندارد- کنار بگذاریم، کماکان با دیگر عوامل یاد شده مواجه هستیم. از طرفی، متولی حضور دارد که غالباً واقف یا افراد تعیین شده به اراده او هستند و این یعنی اداره موقوفه، در ید مالک سابق یا همان واقف است و هلال احمر تقریباً سلطه و اقتداری در اداره وقف - مهم‌ترین بخش مرتبط با خدمات‌رسانی - ندارد. لذا از منظر حقوقی، اگر چه املاک و ابنیه‌ای، وقف بر یک یا چند مورد از

کارکردها و وظایف هلال احمر می‌شود، اما همچنان مدیریت موقوفه، از ید هلال احمر خارج است و در عموم موارد، واقف با تعیین مدیر - در اغلب موارد، نسل بعد نسل - و در واقع تا پایان عمر مورد وقف، دست هلال احمر را از مدیریت و سیاست‌گذاری خدمت‌رسانی کوتاه می‌کند. حال ممکن است انتقاد شود که اشخاص خصوصی - اعم از حقیقی و حقوقی - با وقف اموال خود در راستای کمک به وظایف حکومت اقدام کرده و به بیان عام‌تر «دندان اسب پیش‌کش را نمی‌شمرند» و برای حکومت، کمک شهروندان به انجام وظایف خود - سازمان هلال احمر - مهم است و نباید انتظار داشت، مردم مدیریت اموال خود را که برای مصالح عامه وقف کرده‌اند به حکومت بسپارند و امثالهم؛ که در اینجا پاسخ نویسندگان این است که وقتی مدیریت و سیاست‌گذاری در ید نهاد متولی - هلال احمر - نیست؛ از منظر صرف حقوقی، وضعیت چندان مطلوب نیست و ما در واقع در موقعیت «هرچه از دوست رسد نیکوست» قرار داریم!

اما در مورد عامل دوم یعنی ناظر، وضعیت بهتر است و تقریباً در نیمی از موارد وقف شده،^۱ هلال احمر ناظر قرار گرفته است که اندکی مشکل پیش گفته را بر طرف می‌کند. البته «اندکی»، چرا که ناظر نه می‌تواند برای موقوفه، مدیر تعیین کند و نه سیاست‌گذاری کند و صرفاً در موارد انحراف احتمالی متولی در خصوص وقف یا نابسامانی‌های مدیریتی از جمله انضباط مالی، می‌تواند مواردی را گوشزد کند.

۱. برای مطالعه اسناد وقف در هلال احمر رک: اردکانی، عباس، میراث ماندگار: مجموعه اسناد وقفی جمعیت هلال احمر، تهران، تندیس، ۱۳۸۰.

دیگری دخیل نیست و مال مورد مصالحه یا موهوبه، در تسلط و مالکیت کامل هلال احمر است: موقعیتی خالص و بدون ورود دیگران.

ثانیاً - در هبه و صلح، مال از سلطه و مالکیت واهب و مُصالح خارج می‌شود و کلاً در اختیار و سلطه هلال احمر قرار می‌گیرد و بدون موانعی چون متولی، ناظر یا سازمان اوقاف، هلال احمر می‌تواند آن را در راستای وظایف قانونی خود و به تشخیص خود صرف کند. به لسان حقوق عمومی، هلال احمر در اینجا نه صلاحیت تکلیفی، بلکه صلاحیت تشخیصی^۲ دارد که وفق آن، تشخیص با اداره^۳ هلال احمر طبق موازین قانونی از قدرت تشخیص و انتخاب در صرف اموال هبه یا صلح شده برخوردار است. باری در صلح و هبه به هلال احمر، برخلاف وقف؛ در غالب موارد در صلح نامه و هبه نامه، جهتی تعیین نشده و پس از انتقال مالکیت از مصالح و واهب به هلال احمر، این سازمان با در نظر گرفتن اولویت‌ها، نیازمندی‌ها و کاستی‌ها در انجام وظایف خود در سراسر کشور، «جهت» استفاده از مورد مصالحه و عین موهوبه را تعیین می‌کند. البته گفتنی است که در برخی موارد، مصالح و واهب، «جهت» استفاده از مورد مصالحه و موهوبه را نیز تعیین می‌کنند و فی‌المثل اذعان می‌دارند که «صلح یا هبه می‌شود برای احداث درمانگاه، کمک به ایتام و

عامل سوم، همچون عامل نخست است، یعنی هلال احمر در مواردی ممکن است با وضعیت‌هایی رو به رو شود که به هر علتی، پای سازمان اوقاف به میان آید و عملاً با ورود یک نهاد حکومتی دیگر - اعم از دخالت یا نظارت - مواجه شود که از منظر حقوقی در هر حال، اداره یا وضعیت حقوقی موقوفه را پیچیده و طولانی‌تر می‌نماید. هرچند که اولاً - مطالعه و قفنامه‌ها^۱ نشان می‌دهد که در بسیاری موارد، واقفین علی‌رغم تعیین متولی یا ناظر، برای زمان پس از مرگ یا ناتوانی متولی یا ناظر ولو نسل‌ها بعد، هلال احمر را متولی قرار داده‌اند. ثانیاً - سازمان اوقاف نهادی حکومتی است و به دلیل هم جهت بودن اهدافش با هلال احمر، به احتمال زیاد تعاملی سازنده با هلال احمر خواهد داشت.

با این حال از منظر عقلانی، نگاه مدیریتی، نیز از دریچه محض حقوقی؛ هلال احمر اصولاً و قاعدتاً در مقایسه با تأسیس حقوقی «وقف» که عواملی نظیر متولی، ناظر و سازمان اوقاف را وارد کنش و واکنش حقوقی می‌کند با نهادهای دیگر همچون صلح و هبه که این‌گونه نیستند و تقریباً صفر تا صد سیاست‌گذاری، مدیریت و نظارت را به خود هلال احمر وا می‌گذارند، نمی‌تواند دست رد به سینه تأسیساتی چون هبه و صلح بزند و وقف را انتخاب کند. چه اینکه در هبه یا صلح، موضوع بسیار ساده‌تر از وقف است. چنانکه:

اولاً- هبه و صلح دارای متولی و ناظر یا مستلزم ورود سازمان اوقاف نیست و هنگامی که مالی به هلال احمر هبه یا صلح شد، دیگر افراد یا نهاد

۲. صلاحیت تشخیصی به صلاحیت تخییری یا اختیاری نیز خوانده می‌شود: ر.ک: مشهدی، علی، صلاحیت تخییری: نظام حقوقی صلاحیت‌های تخییری در قوه مجریه، تهران، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی، چاپ اول، ۱۳۹۱.

۳. در حقوق عمومی منظور از اداره، هر شخص حقوقی یا سازمانی است که اعمال تصدی یا حاکمیتی را بر عهده دارد. بنابراین تمامی سازمان‌های حکومتی، اداره محسوب می‌شود.

امثالهم»^۱ که البته این مورد ملازمه‌ای با عقد صلح و هبه ندارد و می‌تواند باشد یا نباشد، اما در وقف، جهت وقف در اکثریت قریب به اتفاق موارد، تعیین می‌شود و هلال‌احمر نمی‌تواند جز نیت واقف- به جز موارد نادر- استفاده دیگری از مورد وقف کند. امری که بسیار مهم است و در واقع بر خلاف وقف، در صلح و هبه، هلال‌احمر از امکان تبدیل نوع استفاده از مال مورد صلح یا هبه برخوردار است.

ثالثاً- برخلاف وقف که جز موارد استثنایی، نمی‌توان وضعیت حقوقی موقوفه را تغییر داد و اعمال عقودی چون بیع، هبه، صلح و اجاره به شرط تملیک در خصوص آن منتفی است و نهایتاً در شرایطی می‌توان از عقودی چون اجاره استفاده کرد؛ در هبه و صلح، هلال‌احمر مالک موهوبه و مورد مصالحه شده و اختیاری کامل در فروش، اجاره، هبه، صلح، معاوضه و سایر عقود معین و اقسام عقود نامعین در قالب ماده ۱۰ قانون مدنی دارد و با محدودیتی مواجه نیست. لذا مقایسه شود موردی را که زمینی برای احداث درمانگاه در شهرستانی کوچک وقف می‌شود و اگر به هر دلیلی، ساخت درمانگاه در آنجا در اولویت نباشد، موقوفه از منظر وضعیت حقوقی به زبانی ساده «فعل» است و باید نیت واقف را تا ابد ادامه داد؛ با موردی که همان زمین به هلال‌احمر صلح یا هبه می‌شود تا به تشخیص جمعیت در راستای صلاح و صرفه شهروندان و البته در بستر وظایف و اختیارات قانونی صرف شود.

نیز همان‌طور که در بند قبل، شرح آن رفت؛ از منظر

مزایای مالیاتی، گمرکی و ثبتی هم، وقف نسبت به صلح و هبه برتر نیست و در شرایط تساوی با عقود یاد شده قرار دارد. چنانکه فارغ از مواد سابق‌الذکر از قوانین «مالیات‌های مستقیم»، «تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت»، «مالیات بر ارزش افزوده»، «امور گمرکی» و «دفاتر اسناد رسمی و قانون سردفتران و دفتریاران» که حکایت از برتری صلح و هبه بر وقف دارد؛ ماده ۲۰ قانون اساسنامه هلال‌احمر و اصلاحیه آن، به یاری وقف آمده و بازی باخته وقف به عقود مذکور را به تساوی کشانده و با ادبیاتی جامع، همه قالب‌های کمک به هلال‌احمر از جمله وقف، صلح، هبه و غیره را در تمامی مزایای مالیاتی، گمرکی و ثبتی از معافیتی مطلق برخوردار گردانیده است.

علیهذا هرچند وقف در خصوص مزایای یاد شده در وضعیتی مشابه قرار دارد، اما به دلیل محدودیت‌های ایجاد برای هلال‌احمر، در مجموع در جایگاهی پایین‌تر از صلح و هبه قرار گرفته و از زاویه محض حقوقی، هبه و صلح برای هلال‌احمر نسبت به وقف ارجح است.

ب - نگاه رئالیستی: تحلیل وقف از منظر حقوق عمومی

برخلاف قسمت الف، در اینجا نگاه ما به تطبیق صلح و هبه با وقف از منظر حقوق عمومی و شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران است. حقوق عمومی^۲ حقوق حکمرانی است: حقوق نحوه حکومت بر شهروندان. در حقوق عمومی از دولت^۳ بحث می‌شود. دولتی که از سه عنصر سرزمین، مردم

۱. برای مطالعه اسناد صلح و هبه در هلال‌احمر رک: اردکانی، عباس، آثار ماندگار: مجموعه اسناد صلح و هبه جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی، تهران، تندیس، ۱۳۸۴.

2.Public law
3.State

از دولت و البته بی‌اعتماد به آن و در جستجوی آزادی! پارادوکسی که تحلیل آن، بحث ما نیست و البته مجال دیگری می‌طلبد. با این حال در مقام واقع‌بینی، به دلیل نبود تعامل مطلوب بین نهادهای حکومتی و مردم، بدیهی است که وقف ارجح بر صلح و هبه است. چه، در صلح و هبه، مال از سلطه و مالکیت مُصالح و واهب خارج می‌شود و با اختیاراتی وسیع و تقریباً کامل در اختیار هلال‌احمر - نماینده حکومت - قرار می‌گیرد که در هر حال و با هر ماهیتی (ولو که ظاهراً نهادهای عمومی غیردولتی از جمله هلال‌احمر، وابستگی کمتری نسبت به مؤسسات دولتی به حکومت دارند)، بخشی از حکومت است و نگاه سیاسی و بی‌اعتمادی به آن وجود دارد. اما در وقف، دست هلال‌احمر، ابداً باز نیست و بسیار محدود است. واقف از یک طرف، خود یا معتمدینش را متولی قرار می‌دهد و حتی می‌تواند هلال‌احمر را ناظر هم قرار ندهد. نیز با تعیین جهت وقف، مهار و کنترل نماینده حکومت را کامل می‌کند و عملاً هلال‌احمر را مجری نیات خود قرار می‌دهد. لذا از منظر جامعه‌شناسی حقوقی، حقوق عمومی و به بیان بهتر رئالیسم حقوقی، نهاد وقف از منظر شهروندان مطمئن‌تر است، چون مردم می‌دانند در وقف: اولاً- امکان فساد یا انحراف نماینده حکومت بسیار کمتر می‌شود. ثانیاً- در صورت فساد یا انحرافات احتمالی، ساز و کار تأسیس حقوقی وقف، به گونه‌ای است که امکان عملی نظارت مردم بر حکومت را بسیار بهتر و کامل‌تر فراهم می‌کند و از همه مهم‌تر اینکه

و حکومت^۱ تشکیل می‌شود و در آن، «حکومت» بر «مردم» در دایره «سرزمین»، اعمال «حاکمیت» می‌کند. در حقوق عمومی از حکومت به «شر» ضرور یاد می‌شود. شری که باید باشد و البته همچون سایر شرها بسیار محدود، مضیق و حداقلی. حکومت نهادی است که به ضرورت، اداره جامعه را بر عهده دارد و خدماتی را که از شهروندان بر نمی‌آید ارائه می‌دهد. نهادی شدیداً در معرض فساد و رانتی شدن که نیازمند نظارت گسترده است. نظارتی که بخشی از آن با ساز و کارهای حکومتی است و بخشی با مردم. به بیان بهتر، دو قسم نظارت بر حکومت داریم: نظارت درون حکومتی و نظارت برون حکومتی. در نظارت درون حکومتی، حکومت بر حکومت نظارت می‌کند و در نظارت برون حکومتی یا مردمی، مردم بر حکومت. نظارت مردم بر حکومت اقسام مختلفی دارد. نظارت مطبوعات، احزاب، سازمان‌های غیر دولتی یا مردم نهاد^۲ و نظامات صنفی که در لسان حقوقی و سیاسی از آن به نظارت جامعه مدنی^۳ بر حکومت یاد می‌شود. لذا حکومت نهادی کاملاً ضروری است اما «ضروری» که باید کاملاً مهار و کنترل شود.

حال در بحث ما، صحبت از برتری یا ضعف وقف در مقابل صلح و هبه است، آن هم در جامعه ایران. جامعه‌ای که مطالعه سیر تاریخی آن نشان می‌دهد، اعتماد شهروندان (مردم) به حکومت مطلوب نبوده است.^۴ جامعه‌ای متوقع و پر از درخواست و مطالبه

1. Government
2. Nongovernmental organization
3. Civil society

۴. به عنوان مثال رک: کاتوزیان، محمدعلی همایون، تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نی، چاپ

بهره‌مندی نهاد وقف از ساز و کار نظارتی واقف (مردم) بر موقوف علیه (هلال‌احمر) تا پایان حیات موقوفه برقرار است و حتی پایان حیات موقوفه نیز دارای شرایط بسیار صعب و ویژه‌ای است که به راستی می‌توان از آن به «ناممکن» یاد کرد.

لذا فارغ از تحلیل صرف حقوقی پیش گفته، در رئالیتی و نگاهی واقع‌گرایانه به موضوع، زاویه تحلیل و بالطبع، نتیجه تحلیل متفاوت است. بدین لحاظ اگر در مجموع، خروجی نگاه حقوقی محض این بود که نه فقط، نهاد وقف مزیتی نسبت به صلح و هبه ندارد، بلکه در برابری کلی، نسبت به آن در

موضوعی پایین‌تر هم قرار دارد؛ از منظر واقع‌گرایی در عالم حقوق، نتیجه عکس می‌شود؛ یعنی با توجه به بی‌اعتمادی عمومی جهانی شهروندان به حکومت‌ها از یک طرف، و بی‌تدبیری و فساد حکومت‌ها در اداره جامعه و اینکه حکومت‌ها تاجر، صنعتگر و حتی مدیر خوبی نیستند و بخش خصوصی در این زمینه‌ها، بسیار چابک‌تر و توانمندتر از حکومت‌هاست، از طرف دیگر؛ اتفاقاً وقف بر جایگاهی رفیع‌تر از صلح و هبه می‌ایستد. چه، در این عقود، مال مورد مصالحه و موهوبه در سلطه کامل هلال‌احمر، این نهاد حکومتی است و نظارت بر آن، در نهایت در دایره نظارت بر اموال دولتی قرار می‌گیرد که می‌دانیم، هزینه‌بر، زمان‌بر و البته تا حد بسیاری ناکارآمد است. اما در وقف، خود بخش خصوصی یعنی اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی در غالب موارد با نصب خود (واقف) به عنوان متولی و حتی در مواردی تعیین ناظر، راه بسیاری از بی‌اعتمادی‌ها و فسادها را ممنوع یا

محدود می‌کنند و شمایی از نظارت کارآمد «مردم بر حکومت» در عین کمک «مردم به حکومت» را به نمایش می‌گذارند. لذا در نگاه واقع‌گرایانه، مردم شناختی و جامعه شناختی، وقف هم هدف حکومت را تأمین می‌کند یعنی دست یاری حکومت به شهروندان را می‌فشارد و کمک‌های شهروندان را جلب می‌کند و هم اینکه مشکل بی‌اعتمادی مردم به حکومت را حل می‌کند، چون واقفین می‌توانند متولی و ناظر را خود انتخاب و مدیریت کنند و بدین ترتیب راه فساد حکومتی در امر خیر را مسدود نمایند.

نتیجه‌گیری

در سازمان اداری ایران، جمعیت هلال‌احمر (شیر و خورشید سرخ سابق) یک نهاد عمومی غیردولتی است. نهادی در ساختار حکومت که وابستگی سازمانی کمتری نسبت به وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی دارد. هلال‌احمر با عنایت به اهداف و وظایف خود، حقوق بشری‌ترین و انسانی‌ترین سازمان اداری ایران است^۱ و از این رو، می‌تواند هدف اصلی دریافت کمک‌ها و اعانات نقدی و غیر نقدی شهروندان و حتی اتباع بیگانه باشد. در این نوشتار پس از مطالعه تطبیقی صلح و هبه با وقف، مشخص

۱. ر.ک: قانون اساسنامه جمعیت: ۱- ماده ۲ که اهداف جمعیت را «تلاش برای تسکین آلام بشری، تأمین احترام انسان‌ها و کوشش در جهت برقراری دوستی و تفاهم متقابل و صلح پایدار میان ملت‌ها و همچنین حمایت از زندگی و سلامت انسان‌ها بدون در نظر گرفتن هیچ گونه تبعیض میان آنها» می‌داند. ۲- بندهای ۵ و ۶ ماده ۳ که «ایجاد حس تعاون و تفاهم و دوستی و نیکوکاری بین مردم» و «تلاش در جهت تسکین آلام بشری و کمک به امر سلامت جامعه و دفاع از ارزش‌های انسانی و کوشش در جهت برقراری دوستی و تفاهم متقابل و صلح پایدار میان ملت» را از وظایف جمعیت در داخل و خارج از کشور برشمرده است. ۳- ماده ۶ که اشعار می‌دارد: «هرکس از زن و مرد و کوچک و بزرگ بدون رعایت ملاحظات سیاسی، مذهبی، نژادی... می‌تواند عضو جمعیت گردد».

واقفین) تا پایان حیات موقوفه ادامه داشته و پس از انعقاد وقف، واقف از موقوفه جدا نمی‌گردد. در این دیدگاه، واقفین پس از وقف، نظارت و مدیریت خود به ملک سابقشان را از طریق متولی یا ناظر یا هر دو ادامه می‌دهند. امری که می‌تواند موقت نباشد و تا پایان عمر موقوفه استمرار داشته باشد. لذا نظارت مردم بر حکومت یعنی نظارت واقف بر نماینده حکومت (هلال‌احمر) تحقق می‌یابد. در این دیدگاه بحث می‌شود که قدرت، فساد می‌آورد و با کمک به حکومت در قالب وقف از طریق جمعیت هلال‌احمر، امکان فساد، انحراف و سوء استفاده از مال کمک شده به کمترین حد ممکن می‌رسد و خیال کمک‌کنندگان (واقفین) از نحوه صرف اموال کمک شده در جهت تعیینی آسوده می‌گردد.

اما هنر حقوق و اداره جامعه در برقراری بازی برد-برد و در واقع تجمیع و تلفیق منافع متعارض است. بدین لحاظ به تأسی از فقه پویای شیعه که در غالب موارد نظرهای مختلف را می‌شنود و سعی در اخذ نکات قوت و مثبت همه نظرها و ارائه نظری کامل دارد و پذیرش این نکته که انجام کامل و صحیح وظایف هلال‌احمر جز با کمک شهروندان صورت نمی‌گیرد و حکومت به تنهایی، توان مالی تأمین اعتبارات لازمه را ندارد؛ راه میانه و سوم مطلوب است. نظری مبتنی بر استفاده از ۱- مزایای حقوق عمومی و نظارتی وقف ۲-علاقه وافر مردم به نهاد وقف ۳- اطلاعات مطلوب شهروندان از وقف و البته جمع کردن آن با نکات مطلوب عقود صلح و هبه. لذا به نظر می‌رسد راهکار متناسب جمعیت هلال‌احمر، تشویق شهروندان به وقف در جهات

شد که وقف در هلال‌احمر در همه ابعاد مطلوب نیست و کارآمدی یا نا کارآمدی آن برای شکل‌دهی به کمک‌های شهروندان از دو منظر قابل بررسی است:

اول- از منظر صرف حقوقی یا توسعه صلاحیت و اختیارات هلال‌احمر، که در این دیدگاه به دلیل تضییقات ایجاد وقف برای هلال‌احمر شامل: ۱- انعطاف ناپذیری جهت وقف و صعوبت یا محال بودن تغییر آن. ۲- جدایی ناپذیری واقف (مالک اولیه) و ادامه سلطه و اقتدار آن بر موقوفه از طریق تعیین متولی و ناظر یا نظار. ۳- ممکن نبودن یا صعوبت تغییر وضعیت حقوقی موقوفه و در یک کلام «قفل بودن» موقوفه از جهت اعمال صلاحیت هلال‌احمر و اینکه جمعیت نمی‌تواند به فراخور نیاز کشور یا منطقه از کمک‌ها در جهت نیازها استفاده کند و حتماً باید در جهت نظر واقف حرکت کند، ولو اینکه نیازمندی‌های کشور یا منطقه مورد دیگری باشد. مهندسی امر در دست کمک‌کنندگان به جمعیت یعنی واقفین است و هلال‌احمر به عنوان نهاد متولی خدمات امدادی در کشور، فقط مجری منویات واقفین است. امری که از منظر هلال‌احمر مطلوب نیست، زیرا در صلح و هبه در اکثر موارد، پس از وقوع عقد و انتقال ملکیت، جمعیت؛ صلاحیت وسیعی دارد و می‌تواند با صلاحیت تشخیصی خود در راستای وظایف قانونی‌اش با فراغ بال خدمت‌رسانی کند.

دوم- از منظر رئالیسم حقوقی و حقوق عمومی، نتیجه عکس است و وقف بر صلح و هبه ارجحیت دارد، چرا که نظارت کمک‌کنندگان به هلال

این مقاله برگرفته از طرحی پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت حقوقی وقف در جمعیت هلال‌احمر و عوامل موثر بر توسعه آن» است که در سال ۹۳ - ۱۳۹۲ برای مؤسسه آموزش عالی علمی - کاربردی هلال ایران انجام شده است.

مورد نیاز کشور است که با اطلاع‌رسانی و کار اجرایی مطلوب جمعیت امکان‌پذیر است. لذا هلال‌احمر باید با تبلیغات گسترده، ضمن ترغیب به وقف، شرایط، ویژگی‌ها و جهات مورد نظر خود - در واقع مورد نیاز کشور - را به طور فراگیر به مردم معرفی و در راستای آن، وقف‌ها را قبول کند.

References

1. Emami, H, Civil law, Tehran, Eslamieh, 1965, Volume II.
2. Hosseini pour Ardekani, M, Legal system governing on public non-governmental institutions, Tehran, Jungle publication, first edition, 2010.
3. Rostami, V, Financial supervision on public non-governmental institutions, Journal of Law, Faculty of Law and Political Science Journal, Vol 39, Issue 4, 2009.
4. Rostami, V, Public finance, Tehran, Mizan, second edition, 2013.
5. Sahraee ardekani, A, Lasting works: settlement and donation documents of Red Crescent Society of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Tandis, 2005.
6. Sahraee ardekani, A, Lasting Heritage: a collection of documents endowed Red Crescent Society, Tehran, Tandis, 2001.
7. Feiz, A, "endowment & its motivation", endowment, the eternal heritage, first year, issue 4, 1993.
8. Homayun Katouzian, MA, Government and nation conflict: theory of history and politics in Iran, translated by Alireza Tayeb, Tehran, Nei publication, 10th edition, 2013.
9. Katouzian, N, Property and ownership, Tehran, Mizan, the nineteenth edition, 2007.
10. Mashadi, A, Optional jurisdiction: legal system of optional jurisdiction in Executive, Tehran, Legal Vice Presidency, First Edition, 2012.
11. Customs Affairs act.
12. Statute of Red Crescent Society of the Islamic Republic of Iran.
13. Direct taxes act.
14. Civil Code.

Advantages of Endowment in Red Crescent Society: In view of Absolute Law to Legal Realism

Hassan Aghamiri, PhD student of private Law at Qom University, lecturer of Qom University

Corresponding author: Keyvan Sedaghati, PhD student of Public Law at Islamic Azad University, science & research Branch, lecturer of Islamic Azad University, Damavand Branch, Iran **Email:**Keyvan.sedaghati@gmail.com

Vahid Agah, PhD Student of Public Law at Islamic Azad University, science and research Branch, lecturer of Allameh Tabataba'i University, Iran

Received: August 11, 2015 **Accepted:** March 4, 2015

Abstract

Background: From yesterday till now, people helped to Iranian Red Crescent society (former Red lion and sun society of Iran) in form of endowment. Endowment in opinion of absolute law was not desirable because it may cause many problems for Red Crescent society for examples: difficulty in changing the goals of endowment or continuation of authority and ownership of property dedicated. On the contrary, in opinion of legal realism and public law, endowment has superiority over settlement and donation, because of the control of endower continued until the end of endowed property. In fact, people supervision on government is accomplished in Red Crescent society. Also, other advantages of endowment are equal to settlement and donation. Finally, it should be said that endowment is better than settlement and donation in Red Crescent society in view of legal realism and public law.

Keywords: endowment, Red Crescent society, people's control on government, goals of endowment, legal realism